



روح گذشت

• شوغای شہرہای بزرگ

• کانون صفا و صمیمیت

• شخصیت متقابل زن و مرد چگونه لطمہ می بیند؟

مسافری کہ برای اولین بار یکی از شہرہای بزرگ مانند تہران قدم میگذارد ، وقتی ساختمانہای عالی ، و مدرن و خیابانہای زیبای آنرا می بیند ، دچار یک نوع شگفتی شدہ ممکن است تصور کند ہوای آنها بیون نسیم بہشت لطیف بودہ ، و زندگی در آن محیط توأم با نشاط و خرمی است ، و آب زندگی در آنجا از ہمہ جا گوارا تر است .

آری اینگونہ شہرہا دارای ظاہری فریبندہ میباشند ، افرادی کہ برای نخستین بار ، آنها وارد میشوند ، دچار تہولاتی می گردند ، بدون تردید آب و ہوای آنها در ہمہ اثر میگذارد ، عمدتاً بر اثر مقاومت مقداری از تأثیرات را خفنی می کنند ، ولی افراد بوعتدی تحت تأثیرات اجتماع آن واقع میشوند .

این دستہ هنگامیکہ تمام سرمایہ های جسمی و روحی خود را از دست دادند ، کم کم قیافہ این شہرہا در تئرشان در گروں میگردد ، و تا زمانی فہمند کہ در پس قیافہ گیرای آنها اسودتی مخوف بچوہ دارد ، کہ ہر کسی از دیدن آن وحشت می کند ، ہمین شہرہای بزرگ و زیبا در پس پرده دردل شب جنابانی را انجام میدہد ، و جوانان و دختران بیگناہ را بوسطہ ہلاکت می افکند کہ قلم از نوشتن آن شرم دارد .

ایر شہرہا با تمام زرو زیور خود از زندگی رنج میبرند ، از خوشی و شادی بہرہای ندیبرند ، قوافل مردم آن غالباً افسردہ و گرفتہ است ، طبقہ رفعا این شہرہا با اینکه از ہر نوع وسایل راحتی و آسایش برخوردار میباشند ، ولی روح حیات یعنی نشاط واقعی در زندگی آنها

دیده نمی‌شود. غالباً میان افراد خانواده آنها جنگ و جدال وجود دارد، سوء ظن و نگرانی عجیبی آنها را فرا گرفته است، حس اعتماد در روابط خانوادگی بسیار کاهش یافته است. کودکان بی‌کناه در مواقعی که جنگ و جدال میان پدر و مادرشان واقع می‌گردد؛ دچار نگرانی و اضطراب شده، از این رهگذر اشکالات تربیتی در آنان بوجود می‌آید.

کانون صفا و صمیمیت

این نوع شهر نشینان وقتی به‌طورشان به زندگی‌های ساده و بی‌آلایش روستا نشینان می‌افتد از دیدن آن همه مهر و صفا که در کانون زندگی آنان وجود دارد دچار حیرت و شگفتی می‌گردند، با اینکه محرمیت‌های فراوانی آنان را احاطه کرده؛ و از بهداشت و فرهنگ بطور ناقص پر، خود را در پیبانشند، ولی با همه اینها صمیمیت و یکپارگی از در و دیوار خانه آنان می‌بارد. همه افراد خانواده با یکدیگر صفا و محبت چرخهای زندگی را بگردش در می‌آورند، و در واقع بحرانی و بروز مشکلات کوچک و بزرگ دامن محبت بگم‌زده، همه بچنگ آن مشکل می‌روند، تا آنرا حل نمایند.

در چنین منطقه‌هایی خانه مفهوم واقعی خود را یعنی آسایش و راحتی را از دست ندهاده است؛ خانه پناهگاه افراد خانواده است؛ و حال آنکه خانه در شهرهای بزرگ واقعیت خود را از دست داده است، و در واقع در حکم زندان است. همه از آن گریزانند، خانه میدان کشمکشها و سرنوشت‌جدال‌ها شده است، این خانه‌ها با اینکه از نظر وسایل زندگی بسیار عالی است ولی از نظر روابط خانوادگی تیره و تاریک است. بدون تردید کودکان در چنین مناطقی از نظر تربیتی دچار یک نوع زلزله غیر قابل جبران می‌شوند.

اینهمه غوغا در شهرهای بزرگ برای چیست؟ یکی از عوامل آن اینست که روح گذشت و سازش در آن کمتر وجود دارد در حالی که مردم در چنین گذشت بیشتری دارند.

شخصیت متقابل زن و مرد چگونه لطمه می‌بیند؟

بدون تردید هر مرد و زنی وقتی در باره همسر و زندگی خانوادگی خود فکری می‌کنند، در نظرش نواقص محسوس می‌گردد، برخی از افراد در چنین مواقعی می‌گویند: اینکاش همسری را انتخاب می‌کردم که این نوع اشکالات کلی و یا جزئی در او دیده نمی‌شد، آنوقت زندگی من ایستاده‌تر می‌شد. این نوع نظر تفکر در بسیاری از خانواده‌ها میان زن و مرد وجود دارد، ما گفته، سیاست بر اثر همین نوع منطقی‌های نارسا، نحوه رفتار میان زن و شوهر دگرگون شده، کم‌کم برین اختلافات توسعه می‌یابد، برای روشن کردن معنی این نوع استدلال‌های پوچ؛ باید (بقیه در صفحه ۳۰)

زیرا طرفداری اسلام از تمام ودانش از طریق کوناگون بر کسی پوشیده نیست ، و در اینکه پیامبر اسلام توانائی بر نوشتن و بخواندن داشت ، و این کمال را بساز سایر کمالات در هیچ مکتبی نیاموخته است ، و هویتش است الهی ، کسی تردید ندارد .

ولی مرکز بحث اینجاست که آیا پیامبر اسلام پیش از بعثت و پس از آن از این توانائی استغناء نمیکرد ؛ و برخلاف صریح آیه ۴۸ سوره عنکبوت ، دست بخواندن و نوشتن میزد ؟ و آیا طرز تعلیم و تربیت پیامبر بسان معلمان امروز بوده که از روی کتاب تدریس کند ؟ یا این که طرز آموزش و پرورش با خواندن آیات قرآن از حفظ و تعلیم حلال و حرام و دادن تعلیمات عالی اسلام و اندرزا و تباحث بوده است ؟

(بقوه از صفحه ۵۰) باطر نشان ساخت که زن و مرد ایده آل کامل اسواد در دنیا وجود ندارد ، بلکه تمام افراد از جهاتی دارای نقطه ضعفهایی میباشند ، منتهی مرکز در قسمی دچار این کمبود اخلاقی میباشد .

شاید عده ای از افراد ساده لوح چنین می پندارند ، که همه خانواده ها در کمال راحتی و آسایش زندگی می کنند و هیچگونه اختلافی میانشان وجود ندارد ، تنها خانواده بدبخت و تیره خودشان است که دچار این نوع کشمکش ها است ، باین افراد باید با کمال صراحت گفت که چنین امری تقریباً محال میباشد ، چه از نظر طبیعت ، و جنبه های تربیتی ، و اختلافات همیشه دشوار منظر میرسد ، که زن و شوهری ، در تمام شئون اخلاقی زندگی با یکدیگر توافق کامل داشته باشند .

باین نکته ای که باید بدان توجه داشت اینست که بسیاری از زنان و مردان عامل دور اندیش ، با روح سازش و گذشت اسمعیی کننده اختلافات جزئی را نادیده گرفته ، اساس خانوار ، دیگر را متزلزل سازند ، البته ایجاد چنین وضعی نیازمند رشد فکری و اخلاقی است ، مسلماً چنین خانواد هائی سهم بیشتری از خوشبختی نسبی شان میگردد .

در مقابل ، خانواد هائی هم وجود دارند که زندگی در کام آنان تلخ و ناگوار میباشد و عامل اصلی این ناراحتی را باید پر تویی و کم حوصلگی آنان دانست ؛ بر سر موضوعات کوچکی با یکدیگر بچنگ و جدال میپردازند ، گذشت در قاموس زندگی آنان وجود ندارد ، حاضر نیستند همه شان در موردی دارای سلیقه خاص باشد ، لذا دائماً بهانه گیری کرده کم کم اشکال تراشی به چنگ و جدال و فحش و کذک کاری می انجامد ، در چنین مواردی شخصیت متقابل زن و مرد لطمه دیده ، پیوندشان دچار شکست میگردد .